

بن بست کامل در مبارزه با فساد

فساد (لاتین - Corruptus) در انواع گوناگون با پیامد های آن، پدیده آشکار است • دانشمند امریکائی هارولد وایت لاسویل (۱۹۰۲ - ۱۹۷۸) فساد را یک عمل ویرانگرانه در جهت نقض منافع عامه به مقصد دستیابی به سود و منفعت شخصی تعریف نمود • به عبارت دیگر فساد تنزل و انحطاط در شیوه رفتار و اخلاق اجتماعی را سبب می گردد که نفوذ آن در منابع گوناگون درآمد پولی دوران اقتصاد را مسموم نموده به اختلال نظم اقتصادی و از این طریق بی نظمی کلیه عرصه های زنده گی جامعه می انجامد • سیطره فساد در افغانستان امروز که به مثابه معضله و بیماری مزمن اجتماعی در اعماق جامعه ریشه پهن کرده است این امر را به روشنی کامل بازگو می نماید •

حاکمیت تعبیه شده بوسیله ناتو - امریکا از پی فروپاشی الیگارشسی طالبان در افغانستان، نه تنها وسیله ای برای پیشبرد سالم امور عامه نگردید بلکه در تداوم زمان، خود به ابزار و ستون اصلی ترویج و گسترش فساد مبدل گشت • هر باری که حکام رژیم در نشست های سران گروه هشت، بیست، رؤسای دول و حکومت کشور های ناتو و یا کشور های دونه حضور می یابند و گوشزد های دریافت می کنند، لاجرم تعهداتی مبنی بر مبارزه با فساد می سپارند ولی همینکه خود را دو باره در کابل می یابند برای ارضای خاطر حامیان خارجی یا بهتر است گفت، برای فریب آنها حرف های توخالی مبنی بر تصمیم شان در جهت مبارزه با فساد به خورد رسانه ها می دهند و دیگر هیچ •

دول کشور های غربی از بی کفایتی و ناکاره گی رژیم حاکم بخوبی آگاه اند چون خود والد و مربی آنند اما زعمای آنها بخاطر آرامش ذهنیت عامه جوامع خود ناگزیرند گاه گاهی به گوشزد و انتقاد رژیم توسل ورزند • از جامعه جهانی و نیز از جامعه افغانستان پنهان نیست که با رژیم موجود نه حل مسئله فساد و نه حل دیگر معضلات انبار شده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقدور به نظر می رسد •

قرار است ناتو تا پایان سال ۲۰۱۴ به حضور نظامی خود در کشور پایان بخشد • روزنامه نیویارک تایمز در حالیکه به موجودیت ذخایر غنی هزار میلیارد دلاری اعم از نفت، طلا، آهن، مس، لیتیوم و

سایر منابع معدنی به مثابه "نوید بخش پیشرفت اقتصاد افغانستان به سمت خودکفائی" اشاره می نماید تذکر می دهد که "خطراتی هم از جمله فساد حکومتی، تشدید منازعات، خشونت ها و توطئه ۰۰۰" این ثروت عظیم را به خطر مواجه می سازد. از قول نیویارک تایمز، "در سایه ترک این نیروها منازعه اقوام، گروهها و کشور های منطقه برای تاثیر گذاری بر افغانستان شدت گرفته و سرنوشت ثروت طبیعی را به خطر افکنده و حتی بیم آن می رود که همین سرمایه عظیم منبع عظیم تامین کننده سوخت درگیری ها در این کشور باشد".

قدرتمندان مرکز و ولایات با تقرب میعاد ختم حضور نظامی ناتو سعی می ورزند اداره مناطق دارای ذخایر زیر زمینی را تصاحب نموده یا خود با شرکت های خارجی قرارداد عقد نمایند یا این کار را توسط شرکت ها و شبکه های نیرومند مافیائی مربوط خویش انجام دهند. در تمام قرارداد های بزرگ معدنی - تجاری نظیر نفت شمال، معدن طلا، معدن مس و شمار دیگر، خانواده های حاکمان و ماموران بلند پایه دولتی سهیم اند.

طبق گزارش آژانس خبری ایرنا، "تابستان امسال شرکت ملی نفت چین با مشارکت شرکتی که در مالکیت اعضای خانواده حامد کرزی است کار استخراج نفت از میدان نفتی واقع در ساحل آمو دریا در شمال افغانستان را آغاز کرد".

تصاحب مناطق دارای ذخایر طبیعی بوسیله زورمندان محلی یا ناقل سبب بروز تنش نیز می گردد چنانچه تابستان امسال تنش بین اعضای خانواده کرزی و افراد مسلح محل بر سر کنترل همان میدان نفتی در ساحل آمو دریا به میان آمد که خطر درگیری مسلحانه در محل را بوجود آورد. بروز چنین تنش ها و درگیری ها در سایر مناطق افغانستان نیز به ملاحظه رسیده و در آینده نیز منتفی نمی گردد.

بر اساس گزارش ایرنا، "دولت اعلام کرد که قرارداد هایش با سرمایه گذاران غربی بیش از آنکه منافع ملت افغانستان را پوشش دهد تامین کننده منافع تجاری غرب است". درست است که سرمایه گذاران غربی تا پای منفعت شان در میان نباشد قراردادی امضا نمی نمایند اما اینکه چرا منافع ملت افغانستان را پوشش نمی دهد، دلایلی را باید در سرشت رژیم حاکم و نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد که در حقیقت باعث پیدایش بازار مافیائی شده است جستجو کرد.

وزیر معادن افغانستان مدعی است که "سود دهی قرارداد های خارجی برای هر دو طرف قرارداد اعم از دولت و سرمایه گذاران خارجی متعادل و منصفانه نیست". اگر این قرارداد ها منصفانه نباشد همه برنامه های حیاتی توسعه کشور به هم می ریزد و اعتبار کشور مخدوش می شود - ایرنا".

اینجا پرسشی مطرح می گردد که اگر وزیر حکومت - کاردار بلندپایه اجرائی دولت در جایگاه ناصح و منتقد بی غرض و غیر مسئول اخذ موقع می نماید پس مسئول اصلی اجرای امور کیست؟

ارگان های عدلی، قضائی و مقننه رژیم مشمول کانون های فساد اند. ارتشا در سارنوالی ها و محاکم مرکز و ولایات خصلت روتین و همگانی یافته است. جالب اینکه مسئولین ادارات دولتی هرگاه موضوع فساد وارد مباحثات روز می گردد، همه به یکدیگر اتهام می بندند بی آنکه متهمی هویت یابی گردد و تدابیر بازدارنده ای اتخاذ شود. ولسی جرگه نیز یکی دیگر از کانون های فساد است، طوریکه کاندیدان احراز پست های دست اول حکومت، برای اخذ رای از ولسی جرگه به معاملات پس پرده توسل می جویند.

به گذارش روزنامه ۸ صبح "این اتهام به صورت جدی وجود دارد که برخی از وکلا، با نامزدان وزیرانی که در گذشته برای گرفتن رای اعتماد، به مجلس معرفی شده بودند، معامله ها و زد و بندهای غیرقانونی داشته اند. شماری از اعضای پارلمان به صراحت گفته اند که همین زد و بندها و معاملات غیرقانونی، در دادن رای اعتماد به نامزد وزرا، برای برخی از نمایندگان تعیین کننده بوده است." روزنامه مذکور ابراز نگرانی می نماید که تائید وزرای دفاع، داخله و رئیس عمومی امنیت ملی از سوی ولسی جرگه، منوال دیگری جز معامله نخواهد داشت.

پاسخ به پرسش، چرا فساد نابود نمی گردد به همه هویداست و در بالا نیز با ارایه چند مثال، به اختصار پیشکش گردید اما نیاز است تا در این زمینه قدری تعمق بیشتر صورت گیرد.

داکتر بیرک ارغند در "نیم نگاهی به کتاب (جنگ های کابل)" منتشره سایت انترنتی نهضت آینده افغانستان، قول دوستی را در مورد "چهار جیم" - جهالت، جهاد، جنگ و جنایت نقل کرده است که اگر به دقت ملاحظه گردد این "چهار جیم" در واقع وضعیت ناهنجاری را که در دهه های اخیر بر کشور مستولی است کاملاً به تصویر می کشد. یکی از پیامد های مصیبت بار این وضعیت همانا فساد بوده که دلیل ناتوانی برای مهار کردن آنرا در عوامل ذیر می توان جستجو کرد:

- مسبب اصلی وضعیت اسفناک کنونی، بقایای جهاد - همان گرو ها و حلقاتی که در سالهای نود سده گذشته انارشی را جاگزین دولت داری نموده فرهنگ یغما را رایج ساختند بعد از فروپاشی بربریت طالبی در زمستان ۲۰۰۱، در شهر بن آلمان به حمایت کشور های غربی کنفرانس برپا کردند و بار دیگر سوار بر کتف مردم افغانستان سرنوشت آنان را به گروگان گرفتند. افراد، گرو ها و حلقات مذکور که در سال های اخیر گاهی جامه وزیر، گاهی جامه اپوزیسیون می پوشند به اضافه شماری از تکنوکرات های از خود بیگانه و فاسد، ستون فقرات نظام سیاسی موجود

افغانستان را تشکیل می دهند. لذا افراد پرورش یافته با فرهنگ یغما و دارای عادت های دستبرد به بیت المال و ثروت ملی، سرشتاً استعداد تقابل در برابر خصلت ذاتی خود را ندارند.

- قوانین نافذه در افغانستان که اقتصاد بازار آزاد نوع امریکائی در یک کشور دارای مناسبات نهایت عقب افتاده اجتماعی متاثر از سلطه فرهنگ تفنگ را تسجیل کرده اند، خود بستر حقوقی لازمی را برای پیدایش و گسترش فساد مهیا می سازند. طبق نورم های بازار آزاد، تراکم مالکیت خصوصی یعنی زر اندوزی از هر منبعی محدودیت نمی پذیرد و آزادی کامل تجارت، صنعت و قرارداد های تجاری - صنعتی تضمین است. در چنین شرایط صاحبان قدرت سیاسی، زورمندان تفنگدار و مافیای اقتصادی مربوط آنان هر چه بخواهند انجام می دهند چونکه قانوناً دست باز دارند.

- جامعه جهانی بویژه حامیان غربی رژیم همانطوریکه در بالا تذکر رفت از وضع آگاه اند. وقتی نیویارک تایمز یکی از معتبر ترین و پرتیراژ ترین رسانه های غربی می نویسد که: "مردم افغانستان اعتمادی به کارائی دولت ضعیف، بدنام و فساد آلود ندارند"، دیگر مسئله روشن است. اینکه چرا سازش به عمل می آید، منشأ اینگونه رفتار را باید در خصلت نظام سرمایرداری جستجو کرد. برای کشور های سرمایرداری چنانچه تاریخ به اثبات رسانیده ماهیت رژیم های کشور های تحت الحمایه اصلاً اهمیتی ندارد. مهم است که این رژیم ها فرمانبرداری کنند و در خدمت منافع سرمایه جهانی قرار گیرند. غرب به تعویض این رژیم ها نیز تا زمانیکه نارضایتی مردم سراسری نشده و به انفجار اجتماعی و قیام منجر نگردد علاقه و اراده ای تبارز نمی دهد ولی اگر چنین شود با تمام قوت سعی می ورزد تا اعتراضات و قیام ها را به نفع خود سمت دهی نماید. چنانچه جهان در دو سال اخیر شاهد رخداد های از این نوع در شمال افریقا بود و حالا کشور سوریه دقیقاً در همین وضعیت بسر می برد. از جانب دیگر دولت ایالات متحده امریکا به مثابه حامی اصلی رژیم حاکم در افغانستان از ذخیره انسانی برای تعویض افراد رده های بالائی رژیم که بیشتر از همه فاسد اند برخوردار نیست. تقریباً همه افراد، گروه ها و حلقات دست داشته در جریان ده سال گذشته استخدام و آزمایش شده اند، لذا دولت امریکا ناگزیر است با همین های که استند بسازد.

- نیرو های دموکراتیک وضعیت مناسبی برای ارایه الترناطف ندارند. بخشی از نیروها بویژه از میان بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و چپ دیروز درکل، در سال های آغازین استقرار رژیم حاکم با اتخاذ مواضع و گرایش های ناسالم، تلاش عرضه خدمت به رژیم و حامیان خارجی آن را نمودند که سودی نبردند و اعتمادی حاصل نکردند، تنها خود را رسوا و همسنگران دیروز

شان را بد نام ساختند. بخش دیگر با واهمهء مردود دانستن اندیشه های چپ برای شرایط افغانستان دنبال عینی گرائی تصویری و پراگماتیسم میانتهی رفته خود را در ورطهء بی اندیشه گی غرق نمودند. آنها بی آنکه خط فکری روشنی پیشکش نمایند ده ها حزب و سازمان که در واقع جمعیت های هجرانیی بیش نیستند ترتیب دادند. همین، خود را خلع سلاح فکری سازی و گمراهی سبب گردید که چند سال هیاهوی وحدت خواهی به قصد ایجاد چیزی شبیه حزب سراسری برای هر دو جناح حزب دیروز از مرز یک آرزو و شعار فراتر نرود.

نگارنده شش سال پیش در مقالهء "در جستجوی راه" خاطر نشان نموده بود: "گرچه در شرایط حاضر گرد آوری تمام نیرو های دموکراتیک، آزاد اندیش و ترقیخواه در یک سازمان واحد سیاسی به دلایل برداشت ناهمگون از حوادث گذشته و رخداد های کنونی... دشوار به نظر می رسد اما اگر این نیرو ها در یک جبهه، ائتلاف و یا مجمعه گرد هم آمده و برنامهء مشترکی را برای تثبیت نقش و جایگاه خویش در جامعه تنظیم کنند و گام بگام به تحقق آن پردازند می توانند جنبش دموکراتیک و مترقی افغانستان را از تشتت و پراگنده گی اسفبار کنونی نجات دهند. در غیر آن خلای ناشی از حضور فعال این نیرو ها در حیات سیاسی کشور برای مدت طولانی باقی خواهد ماند.

باید یاد آوری کرد که تا هنوز تحرک ملموس فراگیر در جهت انسجام و احیای جنبش نیرومند دموکراتیک بویژه چپ افغانی ظهور نکرده و علایم حضور فعال در حیات سیاسی کشور نیز به مشاهده نمی رسد اما شایستهء یاد دهانی است که ایجاد ائتلاف احزاب و سازمان های دموکرات و ترقیخواه افغانستان در نیم سال پیش گام مثبتی در این راستا تلقی می گردد به شرط اینکه نتایج و دست آوردهای محسوسی بار آورد.

پس می توان نتیجه گرفت که نیروهای دموکراتیک بویژه بخش اعظم چپ دیروز در وضعیت کنونی شان قادر نیستند اثری بر وضعیت سیاسی کشور بگذارند یا الترناتیفی در برابر رژیم فاسد ارایه دهند.

مردم افغانستان در حال حاضر چارهء جز تحمل بیداد فساد و دیگر مصیبت های مستولی بر زنده گی جامعه ندارند مگر اینکه حاکمیت واقعاً دموکراتیک، رژیم حاکم را تعویض نماید.

مأخذ - اخبار سایت آریائی